

ژورنال

شماره ۹۴۶

۲۶ ژانویه ۲۰۲۵ - ۷ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

قتل رازینی و مقیسه سیاسی نیست!؟

سینا پدرام

چاقوی تیز مردسالاری بر گلوی کانی

عزیزه لطف الهی

دیدار طالبان ایران با طالبان افغانستان

منظر دریاکناری

زن و جهان مردانه

کیوان جاوید

قتل رازینی و مقیسه سیاسی نیست!!؟

سینا پدرام

بنا به ادعاهای یک مامور سابق وزارت اطلاعات، ضارب قضات رازینی و مقیسه، افسردگی داشت و به خاطر تغییر رسته اش از اداری به خدماتی و کسر حقوق از دو قاضی فوق دلخوری داشته است. جناب رضوی، مامور سابق وزارت اطلاعات، همچنین افزود که "این قتل سیاسی نبود و ضارب به جریانات سیاسی مربوط نبوده است."

یک هفته پس از ترور قاضی رازینی و قاضی مقیسه که هر دو در کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ دست داشتند، اظهار نظرهای ضد و نقیض در

مورد علت یا علل این قتلها از سوی مسئولین رژیم اسلامی مطرح شد. اما نکته جالب توجه در این "جنبالهای اطلاعاتی" روش همیشگی رژیم در پیدا کردن مشکلات روحی در افرادی است که از نظر رژیم "علیه نظام و امنیت کشور" اقدام کرده اند.

"کشف" افسردگی و دیگر بیماری‌های روانی، به روش جدید برای رژیم تبدیل شده است تا واقعیت‌های سیاسی و مشکلات مردم ایران با کل حکومت را پنهان کند. در "اعتراض عریان" آهو دریایی نیز ما شاهد تلاش شبانه روزی رژیم بودیم تا خانم دریایی را یک "بیمار روانی" معرفی کند.

اگر رژیم بپذیرد که عامل ترور این دو قاضی و یا دیگر موارد مشابه در چند دهه قبل، از طرف سازمانهای مخالف خود و یا "جاسوسان" کشورهای همجوار و غیره بوده اند، ضعف اطلاعاتی خود را نشان می دهد. از طرف دیگر، اگر قبول کند که عامل ترور به دلیل مشکلات معیشتی و شغلی دست به این اقدام زده، در واقع جرم رژیم را تایید کرده است.

کشتن این دو قاضی جانی، برای رژیم آنچنان سنگین است که به هر شکلی میخواهد از تبعات سیاسی آن کم کند. همچنین کشتن این دو فرد زنگ خطری برای تمامی حکومتیان است که برای

ادامه حیات باید دنبال "سوراخ موش" باشند.

اینطور به نظر میرسد که همه چیز رژیم وارونه است. عواقب "افسردگی" و "بیماریهای روحی" در همه جای دنیا معمولا گریبان شخص و یا بعضا اطرافیان فرد را میگیرد، اما در ایران تحت حاکمیت آیت الله ها تبدیل به مشکل "امنیتی و سیاسی" برای حکومت میشود.

و بالاخره اگر "افسردگی" اجتماعی وجود دارد باید ریشه آن را در ادامه حیات این رژیم جستجو کرد و تبر را بر همین ریشه کوبید.

چاقوی تیز مردسالاری بر گلوی کانی

عزیزه لطف الهی*

روز شنبه ۶ بهمن کانی عبداللهی، دختر ۱۷ ساله از سوی پدرش "به دلیل ارتباط با یک پسر، با ضربات چاقو به شدت زخمی شد و بر اثر شدت جراحات جان خود را در بیمارستان از دست داد."

این ضربات چاقو پایانی بود بر عشق کانی، این دختر ۱۷ ساله نگون بخت که به تصادف در تکه‌ای از جهان به نام ایران به دنیا آمده بود که قوانین حاکم بر این کشور به دست هیولاهای عصر تاریک‌اندیشی نوشته شده است. این زن جوان دیگر عشق نمی‌ورزد و در این سن کم در خاک

آرمیده است تا مردسالاران و ناموس‌پرستان و قانون‌نویسان و مجریان قانون اسلامی نفسی به راحتی بکشند که از ناموس در برابر رابطه خارج از ازدواج دفاع کردند. دفاعی که با خون ریخته شده کانی امضا شده است و اعتبار یافته است.

این اتفاق شوم درست چند روز بعد در کردستان انقلابی افتاده است که بخش وسیعی از مردم در دفاع از دو زندانی سیاسی زن که در معرض اعدام قرار دارند به میدان آمده‌اند و در برابر جمهوری اسلامی هرگز ساکت نبوده‌اند. این اتفاق در کردستانی افتاده است که تاریخی از جنگیدن تا پای جان علیه جمهوری اسلامی را

در کارنامه خود دارد. این اتفاق در کردستانی افتاده است که در دل انقلاب زن زندگی آزادی علیه جمهوری اسلامی خوش درخشیده است.

این کردستان سرخ و انقلابی در تناقض با آن "کردستان ناموس پرست" است. این کردستان دومی به ما مردم آزادیخواه، برابری طلب و طرفدار برابری کامل زن و مرد تعلق ندارد. مردسالاری و ناموس پرستی دشمن آزادی زن، دشمن رهایی جامعه و مغایر با تمدن بشری است.

این وظیفه دشوار فعالین و مدافعان حقوق زن و طرفداران آزادی زن است که علیه ناموس پرستی به صورت سازمان یافته به میدان بیایند. کم توجهی

به این ضعفی که دامن ما را آلوده است، از قدرت انقلاب مادر کردستان و هر کجا که ناموس پرستی از میان زنان قربانی می‌گیرد، خواهد کاست. اگر زنی در هر کجای ایران و اینجا در کردستان قربانی ناموس پرستی شود همه جامعه و همه پیشروان آزادی جامعه باید یک تن واحد شوند و با این بلای حکومتی و اجتماعی متحدانه مبارزه کنند. ناموس پرستی و مردسالاری را همین حالا در همین زمین ناهموار در هم بشکنیم تا کانی‌های ما زنده بمانند و از زندگی لذت ببرند.

* عزیزه لطف الهی مسئول نهاد نه به تابو، نه به خشونت علیه زنان

دیدار طالبان ایران با طالبان افغانستان

منظر دریاکناری

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۷ بهمن وارد کابل شد و با امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه حکومت طالبان، دیدار کرد. گفته شده است که "مهاجران افغان" و "حقابه ایران از هیرمند" از جمله موضوعات مورد گفتگو در این سفر است.

هر چند به موضوعات مورد گفتگو در این سفر "تاریخی"، "مهم" و "ارزشمند" بی‌اعتنا نیستیم، اما از زاویه بسیار مهم‌تری باید به این دیدار پرداخت. دیدار دو طالبان حاکم در دو کشور که

درعین حال با هم دشمنی هم دارند در شرایط خاصی صورت می‌گیرد.

می‌دانیم جمهوری اسلامی یک حکومت اسلامی از نوع سنی‌اش در افغانستان را که آبش با حاکمان در ایران به یک جوی نمی‌رود را دوست ندارد. از طرف دیگر طالبان نیز دوست ندارد نه تنها آبش وارد "رود هیرمند" شود، بلکه اصولاً دوست دارد سر به تن "برادران شیعی" در ایران نباشد. دشمنی اینها البته فقط بر سر تفاسیر مختلف از قرآن و محمد و دعوی‌ای علی با عمر و عثمان نیست. اینها دو نوع ویروس متفاوت در یک کالبد هستند که به طور طبیعی همدیگر را دفع می‌کنند. طالبان البته در سیاست خارجی‌اش درس‌های بسیاری

برای جمهوری اسلامی در ایران دارد. طالبان می گوید در خارج از مرزهای افغانستان منافع غرب و آمریکا را به خطر نمی اندازد. طالبان قول داده است فقط به جان مردم افغانستان بیفتد تا دول غربی هم به تعامل با آنها برسند و چشم بر جنایاتش در افغانستان ببندند.

اهمیت این دیدار به وضعیت زار جمهوری اسلامی بر می گردد. جمهوری اسلامی در محاصره داخلی و جهانی قرار دارد. اقتصادش به گل نشسته، سیاستش در منطقه با خاک یکسان شده و نیروهای نیابتی اش در فکر برگزاری عزاداری شب سال خودشان هستند. در این شرایط جهانی جمهوری اسلامی برای زنده ماندن و نفس کشیدن

به هر خس و خاشاکی چنگ می‌زند. حالا هم به نظر می‌رسد که طالبان آخرین نقطه امید برای تحقق سیاست "نگاه به شرق" جمهوری اسلامی در مقابل "نگاه به غرب" است.

خدا به رژیم اسلامی رحم کند. قرار است طالبان در افغانستان زیر بال جمهوری اسلامی را بگیرد تا اقتصادش از بحران بیرون بیاید و سیاستش در قبال مردم و جهان نتیجه بدهد. قرار است با این "دید استراتژیکی" در برابر انقلاب مردم ایران جان سالم بدر ببرد. خنده نکنید!

زن و جهان مردانه

کیوان جاوید

دادگاه حقوق بشر اروپا (ECHR) روز پنج‌شنبه در حکمی که به نفع یک زن فرانسوی ۶۹ ساله صادر شد، اعلام کرد که او به دلیل خودداری از داشتن رابطه جنسی با شوهرش، مقصر نیست.

ماجرای این پرونده به سال ۲۰۱۲ میلادی برمی‌گردد، زمانی که در جریان یک پرونده درخواست طلاق، شوهر این زن از همسرش به دلیل "خودداری از داشتن رابطه جنسی" شکایت کرد. دادگاه فرانسه در زمان صدور این حکم اعلام کرده بود که عدم ادامه روابط جنسی با شوهر به منزله "نقض جدی

و مکرر وظایف و تعهدات زناشویی“ است.

پروسه رسیدگی به این پرونده برای سال‌ها طول کشید و درنهایت شکایت این زن به دادگاه حقوق بشر اروپا برده شد و ”دیوان به این نتیجه رسید که وجود چنین تعهدی برای زندگی مشترک، با آزادی جنسی و حق استقلال بدنی انسان در تضاد است... هرگونه عمل جنسی بدون رضایت، نوعی خشونت جنسی است.“

همه این ماجرای خیره کننده در قرن ۲۱ اتفاق افتاده است، آن هم در فرانسه‌ای که بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ بشری را علیه فئودالیسم و مذهب به ثمر رسانده و جهان بعد از این انقلاب را وارد

عصر نوین دیگری کرده است.

در قرن بیست و یکم در جهانی که زیر سیطره مناسبات سرمایه داری قرار دارد، تازه عالی‌ترین دادگاه حقوق بشر اروپا باید دخالت کند و حکم بدهد که "تخیر این جرم زن نیست که بخاطر امضای سند ازدواج نمی‌خواهد تن به رابطه جنسی یک‌طرفه بدهد".

این دنیای عجیب و غریب، بی‌جهت به این سمت نمی‌رود. این تازه اروپای متمدن است که زن در این شرایط زندگی می‌کند. با همین جهان‌بینی نگاهی به زندگی زنان در کشورهای اسلام زده و مردسالار بیندازید تا عمق فاجعه نمایان‌تر شود.

در نگاه به زن باید گفت انگار ماشینی خریده شده است و راننده حق دارد هر کجا و هر زمان که میلش می‌کشد سوارش شود. انگار ما با انسان روبرو نیستیم و این "شی" که فرهنگ و قوانین حاکم لطف کرده و بعنوان زن از او نام می‌برد برده جنسی مرد است. در این دنیا هنوز باید به شدت جنگید تا زن حتی در قوانین به حقی برسد، نه اینکه تماماً بتواند رها شود.

این دنیا نیاز به شخم‌زدن عمیق دارد تا مناسباتی انسانی بر آن حاکم شود. رهایی زن به رهایی از نظامی گره‌خورده است که زن هنوز در آن برده جنسی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال